



An Examination of the Doubts of Non-Muslims Regarding the Scientific Authority of the Quran in Legislative Rulings¹

Hassan Sadeghi¹

Zeinab Taghilo²

1. Researcher, Senior Level Professor, Islamic Seminary of Qom, Qom, Iran.
taghilo315@chmail.ir

2. Level Four Student, Al-Zahra University, Department of Quranic Interpretation
and Sciences, Qom, Iran (Corresponding Author).
sadegi114@chmail.ir



Abstract

The organization, development, and progress of individual and social life depend on the presence of appropriate laws. The Quran holds a distinguished position and scientific authority within religious knowledge, especially in the domain of Sharia rulings and legislation. Some non-Muslims, using both historical and non-historical critical approaches, have examined the Quran's legislative content and attempted, through various hypotheses, to question the legitimacy of Quranic legislation or to portray it as relative and limited to a specific time period. This article presents some of the most significant claims and critically evaluates the evidence supporting them. It defends the divine origin and the absolute, non-relative nature of the Quran—including its legislative rulings and commands. The findings indicate that the rulings of the Holy Quran, like

1. **Cite this article:** Sadeghi, H., & Taghilo, Z. (2023). An examination of the doubts of non-Muslims regarding the scientific authority of the Quran in legislative rulings. *Fiqh and Politics*, 4(7), pp. 83-112. [In Persian].

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71601.1069>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2025/04/19 • **Revised:** 2025/04/27 • **Accepted:** 2025/07/15 • **Published online:** 2025/09/07

its other teachings, were revealed by Almighty God to the Prophet Muhammad (PBUH). These rulings are universal, eternal, purposeful, and based on real benefits and harms, expressed through specific methods.

Keywords

Scientific authority of the Quran, Quranic laws, legislative rulings, non-Muslims, legislative inimitability.



دراسة حول الشبهات التي يثيرها غير المسلمين حول مرجعية القرآن العلمية في التشريعات^١

حسن صادقي^١ زينب تقيلو^٢

١. باحث، أستاذ المستوى العالي في الحوزة العلمية بقم، قم، إيران.

Email: taghilo315@chmail.ir

٢. طالبة في المستوى الرابع في مجال التفسير وعلوم القرآن بجامعة الزهراء (ع)، قم، إيران (المؤلفة المسؤولة).

Email: sadegi114@chmail.ir

الملخص

إن تنظيم الحياة الفردية والاجتماعية ونموها وتطورها يعتمد على وجود قوانين مناسبة، والمكانة الخاصة للقرآن الكريم ومرجعته العلمية في المعارف الدينية، خاصة في مجال الأحكام الشرعية والقوانين، واضحة. قام بعض غير المسلمين، باستخدام منهج النقد التاريخي وغير التاريخي، بدراسة التشريعات القرآنية، وسعوا من خلال فرضيات مختلفة إلى التشكيك في أصل التشريعات والتفتين في القرآن الكريم، أو نسبتها إلى زمان ومكان محددين. تناول هذه المقالة أهم الادعاءات وتقدم أدلتها باستخدام المنهج النقدي، وتدافع عن كون القرآن الكريم وحياً إلهياً، بما في ذلك تشريعاته وأحكامه، وعدم نسبتها. وبالتالي، تخلص الدراسة إلى أن أحكام القرآن الكريم، مثل سائر تعاليمه، قد نزلت من الله تعالى على الرسول الأكرم ﷺ، وهي عالمية، خالدة، هادفة، ومرتبطة بالمصالح والمفاسد الحقيقية، وقد تم التعبير عنها بأساليب خاصة.

الكلمات المفتاحية

مرجعية القرآن العلمية، قوانين القرآن الكريم، التشريعات، غير المسلمين، الإعجاز التشريعي.

١. الاستناد إلى هذه المقالة: صادقي، حسن؛ تقيلو، زينب. (١٤٠٢هـ). دراسة حول الشبهات التي يثيرها غير المسلمين حول مرجعية القرآن العلمية في التشريعات. الفقه والسياسة، ٤ (٧)، صص ٨٣-١١٢.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71601.1069>

□ نوع المقالة: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب إعلام الإسلام في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ١٩/٠٤/٢٠٢٥ تاريخ التعديل: ٢٧/٠٤/٢٠٢٥ تاريخ القبول: ١٥/٠٧/٢٠٢٥ تاريخ الإصدار: ٠٧/٠٩/٢٠٢٥



بررسی شبهات غیر مسلمانان پیرامون مرجعیت علمی قرآن در تشریعات^۱



حسن صادقی^۱ زینب تقیلو^۲

۱. پژوهشگر، استاد سطح عالی حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Email: taghilo315@chmail.ir

۲. دانش پژوه سطح چهار جامعه الزهراء (ع) رشته تفسیر و علوم قرآن، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Email: sadegi114@chmail.ir

چکیده

سامان‌دهی، رشد و تکامل زندگی فردی و اجتماعی در پرتو وجود قانون مناسب است و جایگاه ویژه قرآن کریم و مرجعیت علمی آن در معارف دینی بویژه در حوزه احکام شرع و قانون، روشن است. برخی از غیر مسلمانان با روش نقد تاریخی و غیر تاریخی به بررسی تشریعات قرآن پرداخته و تلاش کرده‌اند تا با فرضیه‌های گوناگون، اصل تشریعات و قانون‌گذاری قرآن کریم را مورد مناقشه قرار داده یا آن را نسبی و زمان‌مند کنند. مقاله پیش‌رو، ضمن بیان برخی از مهمترین ادعاها به بررسی و نقد ادله با روش انتقادی پرداخته و از وحیانی بودن و نسبی نبودن قرآن، از جمله تشریعات و احکام، دفاع کرده است. ازاین‌رو، یافته تحقیق آن است که احکام قرآن کریم همانند دیگر آموزه‌های آن، از سوی خدای متعال بر رسول اکرم (ص) نازل شده، جهانی، جاودانه، هدفمند و تابع مصالح و مفاسد واقعی است و با شیوه‌های خاصی بیان شده است.

کلیدواژه‌ها

مرجعیت علمی قرآن، قوانین قرآن کریم، تشریعات، غیر مسلمانان، اعجاز تشریعی.

۱. **استاد به این مقاله:** صادقی، حسن؛ تقیلو، زینب. (۱۴۰۲). بررسی شبهات غیر مسلمانان پیرامون مرجعیت علمی قرآن در تشریعات. فقه و سیاست، ۴(۷)، صص ۸۳-۱۱۲.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71601.1069>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

مقدمه

با توجه به اینکه انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود نیازهای معرفتی فراوانی دارد و یک بُعد اساسی آن، نیاز به احکام و قوانین در رفتارهای فردی و اجتماعی است، برخی از آیات قرآن کریم در ارتباط با احکام و قوانین و سازماندهی رفتارهای انسان است. با این حال و با وجود صراحت‌های فراوان قرآن کریم پیرامون احکام و قانون، برخی از غیر مسلمان با فرضیه‌های گوناگون، در تشریعیات و قانون‌گذاری قرآن کریم اشکال کرده‌اند، تا اعتبار آن در مرجعیت علمی پیرامون این حوزه را انکار کنند.

بدیهی است که یکی از وظایف قرآن‌پژوهان مسلمان در کنار تبیین معارف قرآن کریم، پاسخ‌گویی به شبهات و دفاع از ساحت مقدس قرآن کریم است. این رسالت هنگامی مضاعف می‌شود که توجه شود این شبهه از جهت ارتباط تشریعیات و قانون‌گذاری قرآن کریم با همه ابعاد زندگی در حوزه‌های فردی و اجتماعی، در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... ارتباط دارد. از این‌رو، مقاله حاضر در راستای بررسی مهمترین شبهات غیر مسلمانان در حوزه تشریعیات نگاشته شده است؛ گرچه هر کدام از شبهه‌ها نیازمند مقاله مستقلی است که شاید در آینده بدان اقدام شود.

بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد که برخی از شبهات (مانند اقتباس) به صورت کلی اعم از قانون‌گذاری، در برخی از آثار اعم از کتاب و مقاله بررسی شده است؛ مانند مقاله «بررسی و نقد نظریه اقتباس قرآن از عهدین» از آقای علی اسدی. ولی در خصوص تشریعیات و قانون‌گذاری نوشته‌ای یافت نشد. افزون بر اینکه برخی از شبهات، کمتر مطرح و بررسی شده است. از سوی دیگر، در مقاله حاضر بررسی‌های بیشتری و البته با رویکرد قرآنی انجام می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مرجعیت علمی

«مرجعیت» که از ریشه «رجع» به معنای بازگشت است، مصدر جعلی و اسم مصدر

بوده و به معنای مورد رجوع بودن و محل مراجعه دیگران بودن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۶۲۱).

معنای لغوی واژه «علم» و مترادف‌های آن در زبان‌های دیگر، مانند دانش و آگاهی، معرفت، معرفت دقیق و.... در فارسی (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۶۰۵۲)، روشن و بی‌نیاز از توضیح‌اند و تعریف آن به ادراک حقیقت شیء (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۸۰) یقین، معرفت (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۷) برای تبیین بیشتر است.

بنابراین، واژه «مرجعیت» با اضافه به «علمی» و «قرآن کریم» به معنای مورد رجوع بودن قرآن کریم در دانش و معرفت است. محل رجوع بودن قرآن کریم با اثرگذاری در مطلق علوم (اسلامی، انسانی، تجربی) است که به صورت‌های گوناگون تحقق می‌یابد؛ از قبیل اثرگذاری استنباطی، اثرگذاری استلهامی، اثرگذاری استکمالی، اثرگذاری حکمیتی و اثرگذاری نگرشی و بینشی. از سوی دیگر، اثرگذاری قرآن کریم در مطلق علوم و در قلمروهای یاد شده، در ابعاد گوناگون مبنی، منبع، هدف، نتیجه، روش، قلمرو، موضوع، مسئله، و... است.

۱-۲. تشریعیات و احکام

تشریعیات جمع «تشریعی» از ریشه «شرع» است. این ریشه در معانی گوناگون بکار می‌رود، مانند: دستیابی به آب، آغاز کردن، وارد شدن، روشن و آشکار کردن، گشودن راه و آماده کردن آن، سنت نهادن. «شارع» به معنای راه بزرگ است که بیشتر مردم از آن راه می‌روند. «شریعه» به معنای آبگاه، مورد (محل ورود به آب) در رودخانه‌های بزرگ برای خوردن آب یا سیراب کردن چهارپایان است. از این رو، «شرع» در لغت، به معنای راه روشن و آشکار است (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۲۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، صص ۴۵۰-۴۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۸، صص ۱۷۵-۱۷۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، صص ۲۳۷-۲۴۲). براین اساس، به دین خدا «شریعت» گفته می‌شود زیرا آیین الهی راهی برای رسیدن انسان به سعادت جاویدان است که همچون آب حیات است. تشریع، مصدر باب تفعیل که برای

افاده مبالغه است (انیس ابراهیم و دیگران، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۷۹)، به معنای سنت نهادن و قانون گذاری است و امروزه به نمایندگان قانون گذار، «جَمْعِیَّة تشریعیَّة» و به پارلمان و مجلس قانون گذاری «السُّلْطَةُ التَّشْرِیْعِیَّة» گفته می شود (دارالمشرق، ۲۰۰۰م، ص ۷۶۲). در نتیجه، «تشریعی» که اسم منسوب به «تشریع» است، به معنای چیزی است که با قانون گذاری نسبت و ارتباط دارد، مانند قانون و قانونی؛ بنابراین، تشریعیات جمع «تشریعی» به معنای قوانین و قانون گذاری های قرآن است.

احکام جمع حکم بوده و در اصطلاح فقهی که در این مقاله نیز مورد نظر می باشد، عبارت است از: «تشریع صادر شده از سوی خداوند سبحان برای ساماندهی زندگی بشر» (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶۱). این تعریف، هر حکمی اعم از تکلیفی و وضعی، امضایی و تأسیسی، ارشادی و مولوی را شامل می شود.

واژه مرتبط دیگر با تشریعیات، اعجاز تشریعی است که یکی از وجوه اعجاز قرآن است و به معنای اثبات الهی بودن قرآن کریم از راه تشریع و قانون گذاری قرآن است. این وجه در آثار قرآن پژوهان معاصر بیان شده است (ر.ک: بلاغی، بی تا، ج ۱، صص ۱۳-۱۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۵۹-۶۰؛ زرقانی، بی تا، ج ۲، صص ۲۴۷-۲۴۸. خوئی، ۱۴۱۳ق، صص ۶۱-۶۸؛ مطهری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۵۴۸؛ فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۷۵؛ رشید رضا، بی تا، ج ۱، صص ۲۰۶-۲۰۷).

۲. شبهه ثبات احکام شرعی قرآن با وجود نسخ

یکی از شبهات مرجعیت علمی قرآن در حوزه احکام شرعی، نسخ است. بیان و پاسخ شبهه به این شرح است:

۲-۱. بیان شبهه

همچنانکه قوانین بشری دچار تغییر می شود، در احکام و قوانین قرآن نیز تغییر با عنوان نسخ وجود دارد که به نوعی تغییر احکام است. از این رو، چه تفاوتی میان

قوانین قرآن و قوانین بشری وجود دارد؟ ازاین‌رو، برخی از مستشرقان همانند یوسف درّه حداد، تصریح کرده‌اند: «اعجاز تشریعی با نسخ جمع نمی‌شود» (یوسف حداد، ۱۹۸۶م، ص ۸۹۴).

۲-۲. بررسی

در بررسی شبهه به دو نکته بسنده می‌شود:

یکم: وضع حکم از سوی خدای آگاه

خدای متعال، آموزه‌های قرآن و از جمله احکام را با توجه به علم مطلق به انسان و جهان هستی را آگاهانه وضع کرده است و به همین جهت، نیازی به اصلاح یا تغییر نیست. موارد اندک تغییر که با عنوان «نسخ» است، توضیحی دارد که در ادامه ذکر می‌شود.

دوم: تبیین ثبات احکام و حقیقت نسخ

توجه به معنا و حقیقت نسخ و نیز حکمت و تعداد آن، نشان می‌دهد که با ثبات احکام و اعجاز تشریعی منافاتی ندارد؛ چراکه نسخ عبارت است از: «برداشتن حکمی که در شریعت به‌طور ظاهری ثابت بود». ازاین‌رو، نسخ گرچه در عالم اثبات، رفع حکم است؛ لکن در حقیقت، نسخ دفع حکم در عالم واقع است، در حالی که حکمت اقتضا می‌کرد که دوام و استمرار حکم اظهار شود یا اصل انشاء حکم و ثابت بودن آن اظهار شود، در صورتی که در واقع ثابت نبود و دوام و استمراری نداشت (ر.ک: حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۱؛ حسن بن زین الدین، (بی‌تا)، ص ۲۲۱؛ خراسانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۹؛ مظفر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۴)؛ بنابراین، نسخ به معنای پایان یافتن زمان حکم قبلی به‌وسیله حکم بعدی است؛ یعنی در حقیقت، حکم اول از همان آغاز به صورت موقت، تشریع شده است، نه این که حکم اولی بر اثر جهل و خطا دچار کمبود و

انحراف شده و نیازمند تغییر، اصلاح و تکمیل باشد. به بیان دیگر، نسخ در احکام الهی بر اثر تحوّل در مصالح انسان قانون‌پذیر است، نه تحوّل در آگاهی قانون‌گذار. خدایی که به همه مصالح انسان‌ها در همه اعصار علم مطلق دارد، می‌داند در هر مقطع زمانی چه قانونی تأمین‌کننده مصالح آنهاست. رعایت مصالح از سوی خدا به معنای دگرگون نشدن مصالح نیست؛ بنابراین، روح نسخ در شرایع الهی به تخصیص زمانی باز می‌گردد و تغییر احکام در آنها تبدیل الهی است، نه افترای بشری به خدا. البته این تغییر در جزئیات فروع دین است، نه در کلیات آن و نه در اصول دین (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۷۰).

در تبیین چرایی نسخ، گفتنی است به صورت کلی یکی از ویژگی‌های احکام قرآن، این است که از ابتدای نزول، احکام به صورت تدریجی و پراکنده نازل شده است و این‌گونه نبوده است که یکجا نازل شود. دلیلش این است که قرآن کریم در صدد رشد و تربیت افراد و تثبیت و نهادینه کردن احکام بوده است و تدریجی بودن، زمینه را فراهم می‌سازد. به همین جهت، احکام بتدریج و با توجه به شرایط زمانی و مکانی و وجود زمینه برای احکام و قوانین نازل می‌شود. یکی از موارد نزول تدریجی، آیات نسخ است. زیرا خدای متعال برای رشد و تکامل انسان و جامعه با توجه به شرایط انسان و جامعه، برخی از احکام را تغییر می‌دهد. به تعبیر برخی از بزرگان: «نسخه‌های پیاپی در یک شریعت نویناد همانند نسخه‌های طبیب است که با شرایط و احوال مریض تغییر پیدا می‌کند. نسخه دیروز در جای خود مفید و نسخه امروز نیز در جای خود مفید است. از این رو خداوند متعال می‌فرماید: «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» (بقره، ۱۰۶)؛ «هر نشانه‌ای از نشانه‌های تکوینی یا تشریعی خود را نسخ کنیم یا آن را از خاطره‌ها بزدایم، بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم». از این رو، هرگونه نسخ که صورت می‌گیرد هریک در جای خود درست بوده و نسبت به شرایط رعایت اصلح شده است» (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۵۰).

گفتنی است که تعداد نسخ به معنای دقیق کلمه بسیار اندک است و بیشتر آن

مقدار اندک، نسخ تدریجی یا مشروط به شرایط خاص آن دوران بوده است (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۶۵-۲۶۷). از این رو، از دیدگاه برخی از دانشمندان، تنها یک آیه (آیه نجوی) برای نسخ وجود دارد (خوئی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۶-۳۲۵ و ۳۷۵). روشن است که تعداد اندک نسخ که آن هم نسخ تدریجی یا مشروط، براساس شرایط زمانی و مکانی بوده، نه تنها با ثبات قوانین و با اعجاز تشریعی سازگار است؛ بلکه نشان می‌دهد که افزون بر تشریع قوانین از خداوند منان است؛ بلکه سیر تدریجی و مراحل تشریع آن نیز از خدای متعال است و مراحل تکامل شریعت را می‌رساند و اینکه رسول اکرم ﷺ هیچ تصرفی و حتی اختیاری در نحوه تشریع احکام الهی ندارد (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۶۹؛ مولائی‌نیا همدانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۷)؛ بنابراین، نسخ بسیار اندک و صرفاً در زمان نزول قرآن بوده و به هیچ وجه منافاتی با قانونگذاری قرآن و مرجعیت آن در قانون‌گذاری ندارد.

۳. شبهه وجود احکام مشابه در تورات و یهود

برخی تصور کرده‌اند که وجود احکام مشابه میان قرآن و تورات، اصالت داشتن احکام قرآن را زیر سوال برده و در نتیجه قرآن مرجعیت علمی در تشریعات ندارد. بیان شبهه و پاسخش به این شرح است:

۳-۱. بیان شبهه

برخی همانند ویل دورانت عقیده دارند که مشابَهت فراوانی میان احکام و قوانین قرآن و قوانین یهودیان بویژه عهد عتیق وجود دارد. وی می‌گوید: «چنین می‌نماید که برخی از قوانین عرفی و سنن دین یهود-از طریق مشنا و هلاخا (قانون غیرمدون یهودیان)- به اسلام رخنه کرده‌اند. دستورات غذایی و بهداشتی و غسل یا وضوی پیش از نماز، و نیز تیمم با خاک، دقیق از آیین یهود اقتباس شده‌اند... قرآن نیز، چون دین موسی، استفاده از گوشت خوک و سگ و حیوانات مرده و خون را

تجویز نمی‌کند؛ اما بر خلاف دین یهود، مسلمین را از خوردن گوشت شتر باز نمی‌دارد (ویل دورانت، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۳۸).

۳-۲. بررسی

یکم: وجود احکام مشابه به جهت اشتراک منبع وحیانی

برخی از احکام قرآن با تورات و قوانین یهود، مشترک است؛ زیرا این احکام و قوانین از یک ریشه و منبع وحیانی سرچشمه گرفته‌اند؛ همان گونه که خدای متعال قرآن را تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیشین بیان می‌کند: (نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ) (آل عمران، ۳)؛ «این کتاب را که سراسر حق است و هرگز باطل بدان راه نمی‌یابد و کتاب‌های آسمانی پیش از خود را تصدیق می‌کند، بر تو فرو فرستاد». همچنین اهل کتاب را به ایمان آوردن به کتابی دعوت می‌کند که کتاب‌های آسمانی آنها یعنی تورات و انجیل را تأیید می‌کند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ) (نساء، ۴۷)؛ «ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده است، به این قرآن که به سوی شما فرو فرستاده‌ایم و تورات و انجیلی را که با شماست تأیید می‌کند، ایمان بیاورید».

دوم: عدم یادگیری رسول اکرم ﷺ از دیگران به گواهی تاریخ

پیامبری که امی است، قرائت و کتابتی نداشته و از کسی نیاموخته است، چگونه می‌تواند مطالب و مواردی را بدون آگاهی قبلی از احکام ادیان پیشین و برای اصلاح انحطاط فرهنگی جزیره العرب سخن بگوید؟ به گواهی تاریخ، هیچ منبع مادی و انسانی نداشته است. آیا بجز از راه غیب و وحی امکان دارد؟

سوم: تفاوت میان احکام قرآن و احکام یهود

تفاوت‌های جدی میان احکام و قوانین قرآن و قوانین یهودیت دیده می‌شود؛ برای نمونه به برخی از احکام متفاوت تورات و قرآن کریم اشاره می‌شود:

موضوع	تورات	قرآن کریم	مقایسه
نجس زندگان	از حشراتی که بر زمین می‌خزند اینها برای شما نجس‌اند: موش کور و موش و سوسمار به اجناس آن... و بوقلمون. از جمیع حشرات اینها برای شما نجس‌اند. (لاویان، ۱۱: ۲۹-۳۱)	قرآن کریم حکمی در این زمینه ندارد. براساس سنت، هیچ‌کدام از موارد یاد شده، نجس ذاتی نیستند.	حکم قرآن و تورات تفاوت کامل دارد.
نجس زن پس از زایمان تا مدتی	چون زنی آبستن شده پسر نرینه‌ای بزاید آنگاه هفت روز نجس باشد موافق ایام طمث (خون) حیضش نجس باشد... و سی و سه روز در خون تطهیر خود بماند و هیچ چیز مقدس را لمس ننماید و به مکان مقدس داخل نشود تا ایام طهرش تمام شود. و اگر دختری بزاید دو هفته بر حسب مدت طمث خود نجس باشد و شصت و شش روز در خون تطهیر خود بماند. (لاویان، ۱۲: ۲-۵)	قرآن کریم حکمی در این زمینه ندارد. براساس سنت، زن پس از زایمان نجس نیست؛ بلکه برخی از محرمات برای او وجود دارد که آن هم حداکثر ۱۰ روز است و با غسل نفاس، تمام می‌شود. این حکم در تولد دختر و پسر یکسان است.	حکم قرآن و تورات تفاوت زیادی دارد.
اختصاص بخشی از قربانی به کاهنان	و حق کاهنان از قوم یعنی از آنانی که قربانی خواه از گاو و خواه از گوسفند می‌گذرانند این است که دوش و دو بناگوش و شکبه را به کاهن بدهند. و نویر غله و شیر و روغن خود و اول‌چین پشم گوسفند خود را به او بده زیرا که یهوه خدایت او را از همه اسباط برگزیده است تا او و پسرانش همیشه بایستند و به نام یهوه خدمت نمایند. (ثیه، ۱۸: ۳-۵)	قرآن کریم (و سنت) حکمی در این زمینه ندارند. قرآن، نه تنها درباره عالم دین، درباره پیامبر خود چنین سفارشی ندارد.	حکم قرآن و تورات تفاوت کامل دارد.

موضوع	تورات	قرآن کریم	مقایسه
پدر و مادر	هر کسی که پدر یا مادر خود را لعنت کند البته کشته شود چون که پدر و مادر خود را لعنت کرده است خونش بر خود او خواهد بود. (لاویان، ۲۰:۹)	ا. قرآن کریم، حکم قتل فرزند به سبب لعنت پدر و مادر ندارد. ب. کشتن فرزند به سبب لعنت پدر و مادر، مشمول اطلاق آیات قتل می شود، مانند: (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ) (اسراء، ۳۳)	حکم قرآن و تورات تفاوت کامل دارد؛ زیرا نه تنها قرآن کریم، حکم قتل فرزند به سبب لعنت پدر و مادر ندارد؛ بلکه قتل به سبب لعنت، نکوهیده و ممنوع است.
قتل	و هیچ فدیة به عوض جان قاتلی که مستوجب قتل است مگیرید بلکه او البته کشته شود. (اعداد، ۳۵:۳۱) و کسی که آدمی را بزند که بمیرد البته کشته شود. (لاویان، ۲۴:۱۷)	(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ... فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ ادَّاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ) (بقره، ۱۷۸)	حکم قرآن و تورات تفاوت دارد؛ زیرا قرآن افزون بر قصاص، حکم دیه و عفو به جای قصاص را ذکر و آن را تخفیف و رحمت الهی بیان می کند.

چهارم: دعوت پیروان ادیان گذشته به اسلام و پذیرش احکام قرآن

قرآن کریم پیروان ادیان گذشته را به اسلام و پذیرش احکام قرآن فرا می خواند. فراخواندن اهل کتاب در صورتی معقول و مقبول است که قرآن کریم و احکامش از ادیان گذشته بویژه یهودیت اقتباس نشده باشد و گرنه آنان با طرح اقتباس، خود را بی نیاز از اسلام و احکام آن می دانند، در حالی که در تاریخ، چنین چیزی مطرح نشده است. برخی از آیاتی که بر دعوت دلالت دارد، عبارتند از: «وَأَمِنُوا بِمَا أُنزِلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا

مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ» (بقره، ۴۱)؛ «و به این قرآن که آن را فروفرستاده‌ام و توراتی را که با شماست تصدیق می‌کند ایمان بیاورید و از میان اهل کتاب نخستین کسانی نباشید که بدان کفر می‌ورزند».

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران، ۱۱۰)؛ «در آغاز ظهور اسلام شما مسلمانان بهترین امتی بودید که برای [اصلاح دنیا و آخرت] مردم پدیدار شدید، زیرا به کار نیک فرمان می‌دادید و از کار ناپسند بازمی‌داشتید و دعوت خدا را باور داشتید پس اگر اهل کتاب نیز دعوت خدا را پذیرفته بودند، قطعاً برایشان بهتر بود، ولی تنها گروهی از آنان ایمان آوردند و بیشترشان از فرمان خدا خارج شدند».

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده، ۱۵)؛ «ای اهل کتاب، فرستاده ما به سوی شما آمده است. او بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما پنهان می‌کردید برایتان بیان می‌کند و از آشکار ساختن بسیاری از آنها صرف‌نظر می‌کند».

پنجم: توحید و تأکید قرآن بر وحیانی بودن قرآن

فراخواندن آنان به اهل کتاب در صورتی معقول و مقبول است که قرآن کریم و احکامش از ادیان گذشته بویژه یهودیت اقتباس نشده باشد و گرنه آنان با استفاده از تورات و منابع دیگر خود به همانندآوری پاسخ می‌دهند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۳ق، ۶-۱۰۹؛ اسدی، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

ششم: وجود شأن نزول برای آیات بیانگر احکام

بسیاری از آیات قرآن، دارای شأن نزول و ناظر به حوادث گوناگونی‌اند که در طول سال‌های زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای وی، مسلمانان و مشرکان و اهل کتاب اتفاق افتاده است. بسیاری اوقات، حادثه‌ای رخ می‌داد یا سؤالی پرسیده می‌شد و آیاتی ناظر به آنها

نازل می‌گشت. به عبارت دیگر، بخشی از آیات و آموزه‌های قرآن، از جمله بخشی از آموزه‌های مشترک با عهدین، ارتباط تنگاتنگی با شرایط و حوادث تاریخ و جامعه صدر اسلام دارد. دقیقاً ناظر به آنهاست. اگر قرآن کریم با اقتباس از عهدین و منابع دیگر، به صورت کتابی از پیش ساخته بود، آیات آن نمی‌توانست ناظر به حوادث، پرسش‌ها و شرایط اجتماعی زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد (ر.ک: اسدی، ۱۳۹۴، صص ۴۳-۴۴).

هفتم: تفاوت شیوه بیان احکام در قرآن با تورات

تفاوت شیوه بیان احکام در قرآن با تورات از روشن‌ترین ادله عدم اقتباس است. برخی از موارد تفاوت در شیوه بیان عبارت است از:

أ. همواره میان احکام با اخلاق و اعتقاد پیوند می‌زند؛ همچنانکه احکام را در کنار مسائل تاریخی یا اعتقادی یا قصه‌ها یا هر معرفت دیگری بیان می‌کند. در حالی که در تورات صبغه غالب، تاریخ است و در آن، با احکام پیوند چندانی وجود ندارد، یا هنگامی که احکام ذکر می‌شود، غالباً میان احکام با امور دیگر پیوند عمیق و اساسی وجود ندارد؛ از این رو، در شیوه بیانی قرآن با تورات، تفاوت چشمگیر وجود دارد.

ب. همه احکام و قوانین مربوط به موضوع را یکجا نمی‌آورد و قوانین را بتدریج و با توجه به شرایط و زمینه بیان می‌کند.

ج. همه احکام و جزئیات موضوع را بیان نمی‌کند، بلکه برخی از موارد موضوع و غالباً به صورت کلی بیان کرده و تفسیر آن را به سنت ارجاع می‌دهد.

در حالی که در تورات، این گونه نیست. برای نمونه به بخشی از قانون خوردنی و موارد ممنوع در خوردنی در تورات و قرآن اشاره می‌شود:

الف) در «لاویان، فصل ۱۱» بدین صورت آمده است: «اینها حیواناتی هستند که می‌باید بخورید از همه بهایمی که بر روی زمین‌اند. ۳. هر شکافته سم که شکاف تمام دارد و نشخوار کننده‌ای از بهایم آنرا بخورید. ۴. اما از نشخوار کنندگان و شکافتگان سم اینها را نخورید یعنی شتر زیرا نشخوار می‌کند لیکن شکافته سم نیست آن برای شما نجس است. ۵. و نَکْکَ زیرا نشخوار می‌کند اما شکافته سم نیست این برای شما نجس

است. ۶ و خرگوش زیرا نشخوار می کند ولی شکافته سم نیست این برای شما نجس است. ۷. و خوک زیرا شکافته سم است و شکاف تمام دارد لیکن نشخوار نمی کند این برای شما نجس است. ۸. از گوشت آنها مخورید و لاش آنها را لمس کنید اینها برای شما نجس اند. ۹. از همه آنچه در آب است اینها را بخورید هر چه پر و فلس دارد در آب خواه در دریا خواه در نهرا آنها را بخورید. ۱۰. و هر چه پر و فلس ندارد در دریا یا در نهرا از همه حشرات آب و همه جانورانی که در آب می باشند اینها نزد شما مکروه باشند. ۱۱. البته نزد شما مکروه اند از گوشت آنها مخورید و لاشهای آنها را مکروه دارید. ۱۲. هر چه در آبها پر و فلس ندارد نزد شما مکروه خواهد بود».

ب. در قرآن کریم سوره بقره آیات ۱۷۱-۱۷۶ آمده است: «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَتَّعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءَ وَ نِدَاءَ صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنَازِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَن اضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَ الْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَضْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ * ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ»

هشتم: برخورداری احکام قرآن از مجموع ویژگی های منحصر به فرد

احکام قرآن کریم ویژگی هایی وجود دارد که مجموعه آن ویژگی ها سبب اعجاز و مرجعیت علمی شده است و مجموع (دقت کنید مجموع) این ویژگی ها در عرف و سایر قوانین و حتی تورات کنونی وجود ندارد. برخی از مهمترین این ویژگی ها عبارتند از: الف) ابتناء بر مبانی خاص از مبانی مانند هدفمندی احکام و مبتنی بر مصلحت و مفسده بودن و...

ب) از جهت محتوای احکام، از قبیل انسجام میان احکام، سازگاری با عقل و فطرت و تکوین، جامعیت، ثبات، و....

ج) از جهت چگونگی بیان احکام از قبیل تشریع قوانین به صورت قضایای حقیقه، تشریع احکام کلی و...
و) از جهت برخورداری از ضمانت اجرا (فردی-اجتماعی-حاکمیتی) و....

۴. شبهه اثرپذیری از فرهنگ زمانه و نسبی بودن احکام قرآن

۴-۱. بیان شبهه

برخی از مستشرقان همانند یوسف درّه حداد، بحث مفصلی در نقد اعجاز تشریعی آورده که در مرجعیت علمی قرآن مطرح می‌شود. وی عقیده دارد که قرآن از عادات و رسوم جاهلیت و جزیره العرب متأثر شده و دستورهای شریعت متناسب با آن‌ها آمده و در پاسخ به مشکلات اجتماعی و انسانی آن زمان بوده و نیز می‌گوید: اهل قرآن در دین خود فراتر از حق خود نروید و غلو نکنید، اعجاز بیانی قرآن کافی است و برای فخر کافی است که بهتر بودن تشریعی‌اش در فرهنگی باشد که در آن نازل شده است: «یا اهل القرآن لاتغلوا فی دینکم غیر الحق! یکفی القرآن إعجاز بیان؛ و یکفیه فخرا عبقریته التشریعیة فی البیئة التي نزل فیها» (یوسف حداد، ۱۹۸۶م، صص ۸۹۵-۸۹۶).

۴-۲. بررسی

با صرف نظر از اینکه نظر این شخص همانند بیشتر افراد غیر مسلمان براساس تصویر نادرست و براساس پیش‌داوری‌های نادرست از اسلام و قرآن است، در بررسی آن به چند نکته بسنده می‌شود:

یکم: وجود احکام مقبول در قرآن کریم

قرآن کریم برخی از قوانین و فرهنگ و رسوم مردم جزیره العرب را تأیید می‌کند؛ زیرا برخی از آنها از معارف و حیانی ادیان پیشین سرچشمه گرفته است؛ همچنانکه معارف قرآن، و حیانی است. همچنین برخی از آنها از عقل و فطرت انسانی سرچشمه گرفته است و یکی از ویژگی‌های احکام قرآن، سازگاری با عقل و فطرت انسانی است.

دوم: تصریح قرآن کریم به جاودانگی و جهانی بودن

رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن کریم و تشریعات قرآن جهانی و جاودانه است و اختصاص به مردم خاص و در زمان خاص ندارد. از این رو، قرآن کریم در عین توجه به مخاطبان نخستین، به گونه‌ای بیان می‌کند که محدود به آنها نباشد و برای دیگران نیز کارآمد باشد.

جهان‌شمولی آموزه‌های قرآن و از جمله آنها تشریعات قرآن از ضروریات است. براساس آیات قرآن، از قبیل «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (یوسف، ۱۰۴)؛ مفاد آیه این است که تو از آنان برای ابلاغ قرآن هیچ مزدی نمی‌طلبی تا به بهانه غرامت ایمان نیاورند. قرآن برای جهانیان یادآور آیات خدا و زداینده غفلت‌هاست، نه کالایی که به وسیله آن مقام و ثروت فراهم گردد. و نیز می‌فرماید: «وَأَوْحَىٰ إِلَيْ هَذَا الْقُرْآنُ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام، ۱۹)؛ «و بگو این قرآن به من وحی شده است تا به وسیله آن شما و کسانی را که قرآن به آنان می‌رسد هشدار دهم» و «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان، ۱)؛ «پرخیر و برکت است آن کسی که قرآن را که جداکننده حق از باطل است بر بنده خود محمد فروفرستاد تا جهانیان را بیم‌دهنده باشد». از این رو، آموزه‌های قرآن کریم و از جمله آنها تشریعات قرآن، جهانی است و مخصوص منطقه خاص و قلمرو معین و نژاد و قبیله مشخص نیست، بلکه شامل همه انسان‌های جهان با هر نژاد و زبانی می‌شود. در نتیجه غیر عرب با عرب در تشریعات قرآن یکسان است؛ همچنانکه قوانین قرآن برای مسلمانان و غیر مسلمانان اعم از اهل کتاب و مشرکان است. جاودانگی و زنده و پویا بودن آموزه‌های قرآن و از جمله آنها تشریعات قرآن نیز از ضروریات است. براساس آیات فراوان، رسول اکرم صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر الهی است، مانند این کریمه: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب، ۴۰)؛ «محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما- نه زید و نه دیگران- نیست تا همسران طلاق داده‌شده آنان بر او حرام باشند، ولی رسول خدا و خاتم پیامبران است. و خدا به هر چیزی داناست». از این رو، احکام قرآن ابدی و همیشگی است و اختصاص به یک زمان حتی زمان نزول قرآن ندارد و در عصر تمدن و پیشرفت نیز

به قوت خود باقی است. راز جهان‌شمولی و جهان‌دانگی احکام قرآن از سویی با مبانی قانون‌گذاری قرآن مرتبط است و از سوی دیگر، در چگونگی تشریع احکام و قوانین است.

سوم: نزول قرآن به زبان عربی و رعایت مقتضای حال

مخاطبان نخستین قرآن کریم، مردم شیه جزیره العرب بودند و طبعی است که افزون بر شیوه بیان به زبان عربی: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهم، ۴)؛ «و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش به رسالت نفرستادیم، تا پیام الهی را برای آنان به روشنی بیان کند»، برخی از احکام، ناظر به وضعیت فرهنگی اجتماعی آن سامان باشد؛ همچنانکه اگر قرآن در هر منطقه جغرافیایی دیگر و به هر زبانی بود، شبیه این شبهه همچنان مطرح می‌شد. به بیان دیگر، قرآن به پرسش‌ها و نیازهای مخاطبان نخستینش پاسخ می‌دهد؛ ولی در آن، امور باطل، خطا و خرافی موجود در فرهنگ محیط و معیشت وجود ندارد.

چهارم: انتقاد قرآن نسبت به برخی از قوانین رایج در زمان نزول

قرآن کریم، برخی از قوانین رایج در همان زمان را نه تنها تایید نمی‌کند، بلکه صریحاً از آنها انتقاد می‌کند؛ بنابراین، تاثیرپذیری صدق نمی‌کند. ابرخی از موارد یاد شده عبارتند از:

- شرک و بت پرستی: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (نساء، ۴۸)؛ «انکار قرآن شرک است و قطعاً خدا این گناه را که به او شرک ورزیده شود نمی‌آمرزد، و کمتر از آن را برای هر که بخواهد می‌آمرزد»
- محرومیت زنان از ارث: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا» (نساء، ۷)؛ «برای

۱. برای مطالعه بیشتر در موضوع ر.ک: فقیه، قرآن و فرهنگ عصر نزول.

مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان نزدیک ترشان بر جای نهاده‌اند سهمی از ارث است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان نزدیک ترشان بر جای گذاشته‌اند سهمی از ارث خواهد بود- خواه آن مال کم باشد یا زیاد- سهمی است که قطعی شده است».

برخی از موارد دیگر عبارت است از: پسر واقعی دانستن پسر خوانده (احزاب، ۴)، زنده بگور کردن دختران: (نحل، ۵۷-۵۹) دوستی با جنس مخالف: (نساء، ۲۵) و....

پنجم: واقع‌گرایی و تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی

افزون بر ادله جهانی و جاودانگی قرآن کریم، از آیات قرآن استفاده می‌شود که قوانین و احکام، به جهت هدفمندی و تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی، محدود به یک زمان و مکان و نژاد و خاصی نیستند. در نتیجه قوانین، نسبی نیستند؛ همچنانکه اعتباری محض نیستند، بلکه در آنها واقع‌گرایی وجود دارد و روشن است که واقع‌گرایی محدود به زمان و مکان خاص نیست؛ برای نمونه حکم کشتن جنین انسان، حرمت است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةَ إِفْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» (اسراء، ۳۱)؛ «و فرزندان را از بیم این که مبدا تهیدست شوید و آنان به گدایی بیفتند یا با کسانی که همدریف شما نیستند ازدواج کنند نکشید؛ ماییم که به آنان و شما روزی می‌دهیم. راستی کشتن آنان خطایی است بزرگ». این حکم، اختصاصی به زمان گذشته یا نژاد خاصی مثلاً نژاد عرب ندارد و نسبی نیست.

از این رو، احکام قرآن محدود به زمان خاص یا مردم و فرهنگ خاص نیست؛ بنابراین، برخلاف سخن گوینده، اهل قرآن در دین خود غلو نمی‌کنند و به خوبی و به درستی می‌دانند که تشریعات قرآن اختصاصی به فضا و موقعیت جغرافیایی زمان نزول قرآن ندارد.

ششم: تشریع احکام به صورت قضایای حقیقی

احکام و قوانین قرآن به صورت کلی و برای عنوان کلی قرار داده شده است، بدون

اینکه ناظر به افراد خاص در خارج باشد؛ گرچه عنوان کلی به صورت قهری بر مصادیقش واقعا منطبق می‌شود. به این نوع قضیه، قضیه حقیقه گفته می‌شود، در مقابل قضیه خارجی که حکم در آن، ناظر به شخص جزئی در خارج است. برای نمونه حکم احسان به دو صورت قابل جعل است: به عنوان فقیر یا شخص خاص زید مثلا.

هنگامی که تشریع قوانین به صورت قضایای حقیقه و به صورت کلی است، پس قوانین به افراد خاص در زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود و در هر زمان و مکانی و برای هر فردی قابل اجراست. شهید مطهری بیان شیوایی دارد:

«مبتنی بودن احکام اسلامی بر یک سلسله مصالح و مفاسد به اصطلاح زمینی (یعنی مربوط به انسان که در دسترس کشف عقل و علم بشر است) از یک طرف، و سیستم قانونگذاری اسلام که به نحو قضایای حقیقه است (یعنی حکم را روی عناوین کلیه برده است نه روی افراد) از طرف دیگر، ایندو امکان زیادی به مجتهد می‌دهد که به حکم خود اسلام در شرایط مختلف زمانی و مکانی، فتوهای مختلف بدهد و در واقع کشف کند که چیزی در یک زمان حلال است در یک زمان حرام، در یک زمان واجب است در زمان دیگر مستحب، یک زمان چنین است یک زمان چنان» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲۱، صص ۲۹۵-۲۹۶).

شواهد فراوانی در قرآن کریم وجود دارد، برای نمونه، در کریمه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱)، واژه «الْعُقُود» جمع محلی به الف و لام، و به معنای همه قراردادها است. ازاین‌رو، وفاداری به هر قراردادی لازم است، مگر دلیلی خاصی بر خلاف آن باشد. عنوان «عقد» مصادیق فراوانی دارد و توافقی‌های جدیدی را شامل می‌شود که در گذشته نبوده است، مانند بیمه. بنابراین، می‌توانیم برای اعتبار شرعی بیمه - که یک عقد و قرارداد مستقل تشکیل شده از ایجاب و قبول است و بر خلاف کتاب و سنت نیست - به عموم آیه تمسک کنیم (ر.ک: حلی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۱۹؛ فاضل لنگرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۸۸).

۵. شبهه عدم امکان بیان نیازهای بشر و جهان در یک کتاب

۵-۱. بیان شبهه

برخی از غیر مسلمانان همانند نویسنده یا نویسندگان کتاب نقد قرآن، عقیده دارند که ادعای قرآن درباره بیان نیازهای بشری و از جمله آنها احکام و قوانین لازم برای اداره جامعه ناپذیرفتنی است؛ زیرا علم جهان و کل نیازهای بشری را نمی‌توان در یک کتاب جمع کرد (سها، ۱۳۹۳، ص ۶۵۲)؛ در نتیجه قرآن از جهت تشریعیات، مرجعیت علمی در حوزه احکام و قوانین ندارد.

۵-۲. بررسی

این ادعا و اشکال نادرست است؛ زیرا:

یکم: اشتغال بر کلیات و تبیین احکام توسط خلیفه خدای متعال

یکی از ویژگی‌های احکام و قوانین قرآن کریم این است که قوانین در صورت نیاز به تبیین از جهات گوناگون، چه از جهت تفصیل اجمال، یا تخصیص و تقيید، بیان مصداق و... توسط رسول اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ صورت می‌گیرد که خلیفه خدای متعال هستند؛ همچنانکه قانون اساسی مشتمل بر کلیات است و در قوانین و مقررات، جزئیات و مصادیق آن تبیین می‌گردد.

هنگامی که تبیین احکام به این شیوه صورت می‌گیرد، در حقیقت از یک ریشه سرچشمه می‌گیرند؛ زیرا که رسول اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ سخنی جز سخن خدای سبحان ندارند و شأنیت و جایگاه سخن آنان، حکایت از سخن خدای متعال است که قانون‌گذار است. این ویژگی در وضع و تفسیر قوانین منحصر بفرد است؛ چرا که در قوانین، غالباً به جنبه تفسیر و تبیین توجهی نمی‌شود، یا مفسر قوانین، افراد دیگری است که ممکن است تفسیر آنها متفاوت با غرض و هدف واضع قانون باشد.

گفتنی است که فهم و استنباط فقیهان و مجتهدان در پرتو آموزه‌های قرآن و روایات معصومان ﷺ بوده و موضوع مستقلی بشمار نمی‌رود. در حقیقت، مسؤولیت فقیهان،

انطباق احکام بر مصادیق است و پاسخ‌گویی روشمند به نیازهای زمان در پرتو آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام.

به صورت کلی قرآن کریم در آیات متعدد (مانند نحل، ۴۴؛ بقره، ۱۲۹ و ۱۵۱؛ جمعه، ۲)، از بعثت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن گفته و یکی از شئون آن را تفسیر و تبیین قرآن بیان می‌کند: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴)؛ «به یقین خدا به مؤمنان نعمتی بزرگ ارزانی داشت که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت کند و آنان را از کارهای زشت و اخلاق ناپسند پاک سازد و کتاب آسمانی و معارف آن را به ایشان بیاموزد، و قطعاً آنان پیش از بعثت پیامبر در گمراهی آشکاری فرو رفته بودند» با توجه به سیاق آیات، منظور از «رسولا» رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و به قرینه «یتلوا» که به معنای قرائت است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۷)، مراد از «یعلمهم» یاد دادن محتوا و معارف قرآن کریم است؛ بنابراین، در کنار تلاوت آیات قرآن، تعلیم و تبیین قرآن کریم، شأن دیگری از شئون رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

از سوی دیگر، اهل بیت علیهم‌السلام با توجه به حدیث متواتر ثقلین: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا أَنْ تَمْسُكْتُمْ بَهْمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا كِتَابُ اللَّهِ وَ عُرَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۰۰؛ صدوق، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۶۸؛ احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۲۹؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۸)، که جانشین رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عدل قرآن هستند، دارای شأن تفسیر می‌باشند. این حدیث، دلالت دارد که قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام عدل یکدیگر بوده و از هم جدا نمی‌شوند.

موارد فراوانی از تبیین احکام وجود دارد، برای نمونه:

الف) قرآن کریم به نماز و زکات و حج امر می‌کند:

– «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره، ۴۳)؛ «و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید».

– «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران، ۹۷)؛ «. و برای خدا بر

عهده مردم است که قصد آن خانه کنند و حج به جای آورند؛ البته این بر کسانی واجب است که بتوانند راهی به سوی آن بیابند.

حال رکعات نماز یا جزئیات زکات و حج نیاز به تبیین دارد که در روایات آمده است، برای نمونه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَزَكَّى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَلَمْ يَسْمِ اللَّهَ لَهُمْ ثَلَاثًا وَلَا أَرْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَتَزَكَّى عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَلَمْ يَسْمِ لَهُمْ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمٌ حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَنَزَلَ الْحَجُّ فَلَمْ يَقُلْ لَهُمْ طُوفُوا أَشْبُوعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۲۸۶-۲۸۷). نماز، بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شد و سه رکعتی و چهار رکعتی آن نامبرده نشد تا اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله خود برای مردم بیان کرد و آیه زکات بر آن حضرت نازل شد و نامبرده نشد که زکات از هر چهل درهم یکدرهم است، تا اینکه خود پیغمبر آن را برای مردم شرح داد و امر بحج نازل شد و بمردم نگفت هفت دور طواف کنید تا اینکه خود پیغمبر صلی الله علیه و آله برای آنها توضیح داد.

دوم: تشریع احکام کلی

قرآن کریم گاهی برخی از احکام را به عنوان کلی بیان می کند. این عناوین کلی، گاهی مصادیق متعددی دارند. همچنین بخشی از این قوانین کلی گاهی با عنوان «قواعد فقه» یاد می شود که منظور از آن، فرمول های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می گیرند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲)؛ برای نمونه، در باره آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل، ۹۰)؛ «خداوند به شما فرمان می دهد تا برای پدید آمدن جامعه ای صالح، با مردم به عدل و داد رفتار کنید و به آنان نیکی کنید و حق خویشاوند را به او بپردازید، و شما را از کار زشت و ناپسند و از ظلم و سرکشی باز می دارد. خدا به شما پند می دهد، باشد که دریابید نیکبختی شما در به کار بستن این اندرزهاست».

بیان شد که گفته شده است که این آیه، ظرفیت استخراج و استنباط ده ها قانون و امر

و نهی دارد؛ مانند: فراگیری دانش، پیگیری کسب و کار و تجارت، توجه به صنعت و کشاورزی، استخراج معادن و توسعه کار و فرصت‌های شغلی، حمایت از کارگر و طبقات زحمت کش و.... (جوادی آملی، صص ۳۳۵-۳۳۶) هر کدام از موارد یاد شده مصداق برای قانون کلی «عدل»، «احسان» است. همچنین قاعده «نفی سیل» دلالت دارد که هرگونه تسلط کافر بر مسلمان ممنوع است. از این رو، صحت نذر، عهد و یمین فرزندان مسلمان به اذن پدر کافر مشروط نمی‌باشد؛ یا کافر نمی‌تواند تولیت بر وقف مربوط به مسلمانان را برعهده گیرد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۳۵۰-۳۵۱).

سوم: تشریع عناوین اولیه و ثانویه

یکی از ویژگی‌های احکام و قوانین قرآن، تشریع عناوین اولیه و ثانویه است. منظور از عناوین اولیه، ویژگی‌های ثابت برای چیزی (فعل یا ذات) به صورت کلی و با صرف نظر از عوارض خارجی است. به بیان دیگر، عناوین اولیه، عناوینی هستند که به صورت کلی و به لحاظ ذات و طبیعت و با صرف نظر از عوارض خارجی لحاظ می‌شوند؛ برای نمونه، ویژگی‌هایی که برای گوشت مردار، بدون توجه به عوارض خارجی، وجود دارد و همین ویژگی‌ها سبب می‌شود که حکم حرمت بر آن، ترتب یابد. عناوین ثانویه، ویژگی‌ها به لحاظ عوارض خارجی است؛ یعنی ویژگی‌هایی که خارج از ذات و طبیعت و در شرایط ویژه است؛ برای مثال، ویژگی اضطرار برای خوردن گوشت مردار سبب می‌شود که خوردنش جایز باشد.

قرآن کریم از سویی در برخی از آیات، به قوانین خاص در موضوعات گوناگون پیرامون مسائل فردی یا اجتماعی اشاره می‌کند، مانند احکام مربوط به نماز یا روزه، یا حج، یا معامله، ارث، و.... از سوی دیگر، در برخی از آیات، به قوانین کلی و اصول حاکم بر قوانین نیز اشاره می‌کند. این قوانین کلی و اصول حاکم همچنانکه از عنوانش روشن است، بر قوانین خاص در همه مسائل فردی و اجتماعی حاکم است؛ به این معنا که این قوانین و اصول، ناظر به آیاتی است که بیانگر حکم و ادله اولیه است و مراد از آن را تفسیر و شرح می‌دهد که نتیجه آن، تخصیص و تقیید عموم و اطلاق ادله اولیه

است. در نتیجه، ادله اولیه حکم کلی و اولی را بیان می کند و این قوانین و اصول، شرایط و محدوده آن را بیان می کند، مانند قاعده لاضرر، قاعده نفی سیل و... که حاکم بر آیات بیانگر حکم اولی است.

نمونه های متعددی در قرآن کریم وجود دارد، مانند:

الف) «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره، ۱۷۳)؛ «او تنها مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که هنگام سر بریدن، نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام کرده است. پس هر کس به خوردن آنها ناچار شود، به شرط آن که ناچاری او در اثر ستمکاری و سرکشی نباشد، بر او گناهی نیست، چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است».

در این کریمه، حکم اولی (به لحاظ عنوان اولیه)، حرمت گوشت مردار، خون، خوک و حیوانی است که هنگام ذبح، نام خدا برده نشده است، سپس حکم ثانوی (به لحاظ عنوان ثانوی)، جواز آنها در حالت اضطرار واقعی بیان شده است.

ب) «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج، ۷۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، در آنچه مربوط به خداست - چنان که درخور تلاش برای اوست - تلاش کنید. او شما را برگزیده و در دینتان که همان آیین پدرتان ابراهیم است، بر شما هیچ دشواری و تنگنایی قرار نداده است».

در این کریمه، قرآن کریم نخست به جهاد در راه خدا آنچنان که شایسته جهاد خداست، سفارش می کند که از نظر بیشتر مفسران، به معنای عام است و هر طاعت الهی را شامل می شود (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۵۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۳۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۴۱۱). قرآن کریم پس از امر به جهاد، حرج در دین را نفی می کند که افزون بر اینکه معنای «دین» همه احکام دین است (ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۳۴۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۰۱)، صدر و ذیل آیه، نشان می دهد که مراد از «دین» همه احکام دین است. این فراز، منت خدای متعال بر بندگان را بیان می کند که هر نوع مشقت در احکام دین را برمی دارد، چه مشقت به اصل حکم

مربوط باشد و چه مشقت عارضی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۴۱۳). این آیه بر آیات دیگری که حکم اولیه را بیان می‌کند، حاکم است.

ازاین‌رو، خدای سبحان از باب لطف و امتنان حکمی را که موجب حرج و سختی غیر متعارف برای انسان باشد، جعل نمی‌کند؛ در نتیجه، هرگاه وجوب وضو و غسل سبب سختی و مشقت برای انسان شود، منتفی است.

نتیجه‌گیری

برخی از غیرمسلمانان همانند ویل دورانت، یوسف درّه حداد و نویسندگان کتاب نقد قرآن، با روش نقد تاریخی و غیر تاریخی به بررسی تشریعیات و احکام قرآن پرداخته و تلاش کرده‌اند تا با فرضیه‌های گوناگون، اصل تشریعیات و قانون‌گذاری قرآن کریم را مورد مناقشه قرار داده یا آن را نسبی و محدود کنند. با صرف نظر از پیش‌فرض‌های نادرست آنان در این مبحث، سخنان و ادله ایشان هم، ناتمام است و براساس ادله فراوان، قرآن کریم و از جمله احکام قرآن، از سوی خدای متعال بر رسول اکرم ﷺ نازل شده و در عین عنایت به مخاطبان نخستین، احکام به شیوه خاصی مانند اشتغال بر کلیات و تبیین احکام توسط خلیفه خدای متعال، تشریع احکام کلی، تشریع عناوین اولیه و ثانویه، تشریع احکام به صورت قضایای حقیقه بیان شده است که برای همه انسان‌ها سودمند است و در نتیجه اصل تشریعیات و قانون‌گذاری قرآن کریم قطعی است. از سوی دیگر، برخورداری احکام قرآن از ویژگی‌هایی مانند جهانی و جاودانه و تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی و... موجب شده است احکام قرآن کریم، نسبی و محدود نباشد. تفاوت‌های فراوان میان احکام قرآن و دیگر قوانین و نیز نقد قوانین، نشانه عدم اقتباس بوده است؛ ازاین‌رو، قرآن کریم دارای مرجعیت علمی در حوزه تشریعیات و احکام است.

فهرست منابع

- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالفکر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزة.
- احمد بن حنبل. (بی‌تا). مسند احمد. بیروت: دار صادر.
- اسدی، علی. (۱۳۹۶). بررسی و نقد نظریه اقتباس قرآن از عهدین. معرفت ادیان، شماره سوم، ۸ (۳۱)، صص ۲۹-۴۶.
- انیس، ابراهیم؛ زیاد، احمد حسن؛ عبدالقادر، حامد؛ نجار، محمد علی، (۱۳۷۲). المعجم الوسیط (چاپ چهارم). قم: مکتب نشر الثقافة الاسلامیة.
- بلاغی، محمد جواد. (بی‌تا). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: وجدانی.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). سنن ترمذی. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- جواد آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). تسنیم تفسیر قرآن کریم. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حاکم نیشابوری. (بی‌تا). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالمعرفة.
- حسن ابن زین الدین. (بی‌تا). معالم الدین و ملاذ المجتهدین. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۱۲ق). ولایت فقیه در حکومت اسلام. مشهد: انتشارات علامه طباطبائی.
- حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳ق). معارج الاصول. بیروت: مؤسسة آل البيت للطباعة و النشر.
- حلی، حسین بن علی. (۱۴۱۵ق). بحوث فقهیه. قم: موسسه المنار.
- خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۱۲ق). کفایة الاصول. بیروت: مؤسسة آل البيت للطباعة و النشر.

- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی. دارالمشرق. (۲۰۰۰م). المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة. بیروت: دارالمشرق.
- درة حداد، یوسف. (۱۹۸۶ق). القرآن و الكتاب. بیروت: منشورات المكتبة البولسیة.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دفتر نشر کتاب.
- رشید رضا، محمد. (بی تا). تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفة.
- زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- زرقانی، محمد عبد العظیم. (بی تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سها. (۱۳۹۳). نقد قرآن. بی جا، بی نا.
- صدر، محمدباقر. (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الأصول. قم: طبع انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فاضل لنکرانی، محمد. (بی تا). جامع المسائل. قم: انتشارات امیر قلم.
- فیومی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). مصباح المنیر. قم: مؤسسة دارالهجرة.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ق). الجامع لاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.

- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مراغی، سیدمیر عبد الفتاح بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: انتشارات صدرا.
- مظفر، محمدرضا. (۱۴۱۵ق). اصول الفقه. قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۱). علوم قرآنی. تهران: انتشارات التمهید موسسه انتشارات امیرکبیر.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۲۳ق). شبهات و ردود. قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مولائی نیا همدانی، عزت الله. (۱۳۷۸). نسخ در قرآن. تهران: نشر رایزن.
- ویل دورانت. (۱۳۷۱). تاریخ تمدن (مترجم: ابوطالب صارمی و دیگران). تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.